

## Original Article



# Challenges and Obstacles to the Implementation of Foreign Competent Law in Iran's Subject Law

Rana Gaini \*

Master of Laws, Public Law, Mofid University of Qom, Qom, Iran



**Citation** Rana Gaini, **Challenges and Obstacles to the Implementation of Foreign Competent Law in Iran's Subject Law.** *J. Law Political Stud.*, 2023, 3(3), 212-228.

<https://doi.org/10.48309/ilps.2023.3.5>



## Article info:

**Received:** 25 August 2023

**Accepted:** 1 December 2023

**Available Online:** 3 December 2023

**ID:** JLPS-2311-1084

**Checked for Plagiarism:** Yes

## Keywords:

conflict of law rules, foreign competent law, public order, fraud against the law, obstacles to the implementation of foreign law.

## ABSTRACT

Sometimes a private law relationship is related to two or more countries due to the involvement of one or more foreign factors. In such cases, the judge of the court headquarters must determine which of these countries' laws apply to the legal relationship by referring to the conflict of law rules. In fact, the purpose of the competent judge to refer to the conflict resolution rules of the country of the seat of the court is to find the competent law. When, according to the conflict resolution rules of Iran's laws, a foreign law is recognized as particularly competent in a case, the implementation of that competent law in Iran's closed countries may face two basic obstacles. These basic obstacles are public order, fraud against the law. According to the fact that in Iranian law, public order is considered as part of imperative laws, therefore, its relationship with public interests is such that the principle of sovereignty of the will is worthless against it, and Article 975 of the Iranian Civil Code is the basis of the judge's action regarding the implementation of foreign law. In some cases, a person frees himself from the constraints of the law by using the correct legal measures. In fact, the purpose of a person to prepare arrangements that allow the implementation of foreign law on him is to escape from the law of his country.

## چالش‌ها و موانع اجرای قانون صلاحیت دار خارجی در حقوق موضوعه ایران

رعنا گائینی\*

کارشناسی ارشد حقوق، گرایش حقوق عمومی دانشگاه مفید قم، قم، ایران



ارجاع رعنا گائینی، چالش‌ها و موانع اجرای قانون صلاحیت دار خارجی در حقوق موضوعه ایران، نشریه حقوق و

مطالعات سیاسی، دوره ۳، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۲: ۲۲۸-۲۱۲.

doi <https://doi.org/10.48309/ilps.2023.3.5>

## چکیده



## اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۳ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۰ آذر ۱۴۰۳

تاریخ آنلاین شدن: ۱۲ آذر ۱۴۰۳

آی دی مقاله: JLPS-2311-1084

بررسی شده با نرم افزار سرقت ادبی: بله

## کلیدواژگان:

حل تعارض قوانین، قانون صلاحیت‌دار، نظم عمومی، تقلب نسبت به قانون، موانع اجرای قانون خارجی.

گاهی اوقات یک رابطه حقوق خصوصی به دلیل دخالت یک یا چند عامل خارجی به دو یا چند کشور ارتباط پیدا می‌کند در چنین مواردی قاضی مقر دادگاه با مراجعه به قواعد حل تعارض قوانین بایستی تشخیص دهد که قانون کدام یک از این کشورها، بر رابطه حقوقی موردنظر حکومت خواهد کرد. در حقیقت هدف قاضی صلاحیت‌دار از مراجعه به قواعد حل تعارض قوانین کشور مقر دادگاه یافتن قانون صالحه است. هنگامی که مطابق قواعد حل تعارض قوانین ایران، قانون خارجی در یک مورد به‌خصوص صلاحیت‌دار شناخته شود، اجرای آن قانون صلاحیت‌دار در ممالک محروسه ایران ممکن است با دو مانع اساسی برخورد کند. این موانع اساسی عبارت‌اند از نظم عمومی، تقلب نسبت به قانون. با توجه به اینکه در حقوق ایران نظم عمومی جزء قوانین امری محسوب می‌گردد، لذا ارتباط آن با منافع عمومی به اندازه ای است که اصل حاکمیت اراده در برابر آن بی ارزش است و ماده ۹۷۵ قانون مدنی ایران مبنای عمل قاضی در خصوص اجرای قانون خارجی می‌باشد. در بعضی از مواقع شخص با استفاده از تدابیر صحیح قانونی، خود را از قید قانون خلاص می‌کند. در واقع هدف شخص از تهیه تمهیداتی که اجرای قانون خارجی را درباره او مجاز می‌دارد، فرار از قانون متبوع کشور خود می‌باشد.

## مقدمه

## ۱- مفهوم تعارض قوانین

تعارض قوانین از اهم مباحث حقوق بین‌الملل خصوصی است و هنگامی مطرح می‌شود که یک رابطه حقوق خصوصی به‌واسطه دخالت یک یا چند «عامل خارجی» به دو یا چند کشور ارتباط پیدا کند. در چنین مواردی باید تشخیص داد قانون کدام یک از این کشورها، بر رابطه حقوقی موردنظر حکومت خواهد کرد؛ بنابراین علت بروز تعارض قوانین، دخالت یک یا چند عامل خارجی است. به این توضیح که اگر یک رابطه حقوقی تنها به یک کشور مربوط شود؛ چنان‌که مسئله ازدواج دو نفر از اتباع ایران مطرح باشد و محل انعقاد عقد نیز در ایران باشد، این رابطه حقوقی تابع حقوق داخلی

یکی مباحث مهم در حقوق، موضوعی شناسایی و اجرای قوانین خارجی است که این مطلب گاهی با موانع روبرو می‌شود و از اجرای یک قانون خارجی با وجودی که به‌عنوان قانون صلاحیت‌دار بیان گردیده جلوگیری می‌کند. این موضوع ممکن است در تمام کشورها وجود داشته باشد که پاره از مسائل نظیر نظم عامه، مسائل اخلاقی و غیره مانع آن می‌شود، تا یک قانون خارجی در یک کشور به منصفه اجرا گذاشته شود. از آنجایی که تحقیق حاضر سعی دارد به واکاوی موانع اجرای قانون خارجی در حقوق ایران بپردازد از اهمیت و ضرورت خاصی برخوردار است.

مکتب متفاوت هست یکی روش اصولی یا جزمی و دیگری روش حقوقی یا انتخاب اُنسب؛ در روش حقوقی یا قاعده انتخاب اُنسب، مناسب‌ترین قانون نسبت به طرفین اختلاف، انتخاب و اعمال می‌گردد؛ اما، در روش اصولی مبنای انتخاب قانون حاکم و صالح، ملاحظه حاکمیت دولتی است که مسئله مورد تعارض در آنجا مطرح است. (مدنی، ۱۳۷۸: ۲۳۷).

## ۲- نظم عمومی

مفهوم نظم عمومی از قرن نوزدهم میلادی به بعد مورد توجه واقع گردیده؛ زیرا در این قرن بود که تدوین قوانین در اغلب کشورهای اروپایی موجب تشدید اختلاف میان قوانین و حقوق کشورها گردید و موارد استناد به نظم عمومی را افزایش داد، رویه قضایی فرانسه از قرن نوزدهم در مواردی مانند طلاق بیگانگان پیش از ۱۸۸۴ و اثبات نسب نامشروع قبل از ۱۹۱۲ نظم عمومی را مورد توجه قرار داده و به استناد آن از اجرای قانون خارجی خودداری کرده است. هم اکنون نظم عمومی در قوانین بسیاری کشورها به صراحت به عنوان مانع اجرای قانونی خارجی پیش‌بینی شده است: ماده ۹۷۵ قانون مدنی ایران، ماده ۳۰ قانون مقدماتی قانون مدنی آلمان، ماده ۲۱ قانون مدنی ایتالیا و ماده ۳۳ قانون مدنی یونان. امروزه در مورد لزوم دخالت نظم عمومی اختلافی وجود ندارد، بلکه اختلاف نظرها پیرامون مفهوم و دایره شمول و آثار آن است (نیکبخت، ۱۳۸۵: ۱۶).

نظم عمومی در حقوق داخلی مفهومی متفاوت از آن در حقوق بین‌الملل خصوصی دارد.

### الف) نظم عمومی در حقوق داخلی

در حقوق داخلی نظم عمومی شامل سازمان‌ها و قواعدی است که غرض از آنها حفظ منافع عمومی و تأمین حسن جریان امور عمومی و حفظ خانواده است و اراده افراد نمی‌تواند آنها را نقض کند. به سخن دیگر نظم عمومی در این حوزه شامل قواعد امری است. پس نظم عمومی در حوزه

خواهد بود چرا که هیچ عامل خارجی در آن دخالت ندارد؛ اما همین که یک عامل خارجی در یک رابطه حقوقی دخالت داشته باشد، چنان‌که محل انعقاد عقد در خارج ایران باشد در این صورت با مسئله تعارض قوانین مواجه خواهیم بود. (الماسی، ۱۳۹۲: ۱۷).

عامل خارجی ممکن است وقوع مال مورد معامله یا عمل و واقعه حقوقی در خارج باشد یا تنظیم سند در کشور خارجی، و نیز ممکن است تابعیت خارجی افراد باشد یا اقامتگاه آنان در خارج. ضمناً باید توجه داشت که گاهی یک عامل خارجی در مسئله دخالت دارد و گاهی چند عامل خارجی که هر چه قدر عوامل خارجی دخیل در یک رابطه حقوقی، بیشتر باشند مسئله پیچیده‌تر شده و حل تعارض قوانین دخیل در موضوع یعنی یافتن قانون صالحی که بتواند بر این رابطه حقوقی حاکم باشد، مشکل‌تر خواهد شد. نکته دیگر این است که مسئله تعارض قوانین تنها در مرحله اعمال و اجرای حق مطرح می‌شود و منطقی‌تر متفرع بر مسئله داشتن حق (اهلیت تمتع) است همان‌گونه که مسئله اهلیت تمتع نیز منطقی‌تر مسبق به تابعیت است. پس چنانچه شخص در روابط بین‌المللی از تمتع از حقی محروم شده باشد مسئله تعارض، مطرح نخواهد شد، زیرا تعارض قوانین زمانی مطرح می‌شود که فردی در زندگی بین‌المللی دارای حقی باشد و مطلوب ما تعیین قانون حاکم بر آن حق باشد؛ به طور مثال بیگانه‌ای که دولت متبوع وی تعدد زوجات را در قانون خود شناخته است نمی‌تواند در ایران به استناد ماده ۱۰۴۹ قانون مدنی ایران، از حق داشتن بیش از یک زوجه استفاده کند. در این قبیل موارد اساساً تعارضی به وجود نمی‌آید زیرا تعارض در صورتی حاصل می‌شود که حقی موجود باشد و ما بخواهیم از بین قوانین متفاوت قانون صلاحیت‌دار را در مورد آن اجرا کنیم و بدیهی است در صورت موجود نبودن حق (عدم اهلیت تمتع) تعارض قوانین که مربوط به اعمال حق است موضوعاً منتفی خواهد شد. لازم به ذکر است که در مسئله تعارض قوانین برای تعیین قانون صالح دو روش وجود دارد که در واقع معرف دو

کشورها مانند ایران و فرانسه بیشترین زمینه اجرای قانون خارجی مربوط به حوزه احوال شخصیه است. در واقع منظور از نظم عمومی در روابط بین‌المللی مجموع سازمان‌ها و قواعدی است که آن چنان به اصول تمدن و نظام حقوقی یک کشور بستگی دارد که دادگاه‌های آن کشور ناچارند رعایت آنها را بر اجرای قانون خارجی مقدم بشمارند، اگرچه قانون مزبور، مطابق قواعد عادی حل تعارض، صلاحیت‌دار باشد. بین نظم عمومی در حقوق داخلی و نظم عمومی در حقوق بین‌الملل خصوصی رابطه عموم و خصوص مطلق وجود دارد، به این معنی که هر چه مغایر نظم عمومی در روابط بین‌المللی ایران است مخالف نظم عمومی در روابط داخلی ایران نیز هست، لیکن عکس آن صادق نیست. (بهرامی احمدی، ۱۳۹۴: ۱۳۳).

البته توجه به این نکته ضروری است که نظم عمومی چه در روابط داخلی و چه در روابط بین‌المللی همیشه جنبه ملی و داخلی دارد. نظم عمومی هر کشوری وابسته به اصول تمدن و نظام حقوقی خاص همان کشور است و با نظم عمومی کشور دیگر متفاوت است. نظم عمومی به‌طور کلی جنبه نسبی داشته و بر حسب زمان و مکان متفاوت می‌گردد.

### ج) دایره شمول نظم عمومی

نظم عمومی دایره شمول ثابتی ندارد و بر حسب مقتضیات زمان و مکان تغییر می‌کند. از این رو برای تشخیص نظم عمومی ضابطه ثابت و قطعی وجود ندارد. مفهوم جامعه مشترک حقوقی نیز که از سوی ساوینی حقوق‌دان بزرگ آلمانی مطرح شده، نمی‌تواند ضابطه‌ای برای تشخیص نظم عمومی تلقی شود، بلکه تنها به‌عنوان یک راهنما قابل استفاده خواهد بود، زیرا حتی در بین کشورهای اروپایی که از درجه تمدن نزدیک به هم برخوردارند، مواردی وجود دارد که اجرای قانون یکی در قلمرو دیگری مخالف نظم عمومی به شمار می‌رود. برای مثال طلاق در کشور فرانسه مجاز است؛ اما در اسپانیا مخالف نظم عمومی شناخته می‌شود. بنابراین وجود اشتراک حقوقی

مسائل داخلی قلمروی وسیع دارد و به معنای رعایت قواعد امری است.

### ب) نظم عمومی در حقوق بین‌الملل خصوصی

در مورد مفهوم نظم عمومی در حقوق بین‌الملل خصوصی اتفاق نظر وجود ندارد، برخی معنای وسیعی برای آن قائل‌اند و بعضی آن را به معنایی محدود به کار می‌برند. (نیکبخت، ۱۳۸۵: ۱۳).

۱- عقیده طرفداران معنای وسیع برای نظم عمومی در روابط بین‌المللی: به نظریه پی‌یه و منچینی نظم عمومی شامل قواعدی است که جنبه عمومی و درون‌مرزی دارد: مثل قواعد حقوق عمومی، قواعد مربوط به رژیم اموال، قواعد جزایی، قواعد مسئولیت مدنی، آئین دادرسی و غیر اینها. این نظر پذیرفتنی نیست، زیرا اولاً ملازم‌های بین درون‌مرزی بودن قوانین و نظم عمومی وجود ندارد. برای مثال قوانین مربوط به اموال و قوانین مربوط به مسئولیت ناشی از جرم درون‌مرزی هستند یعنی نسبت به کلیه اموال و اشخاص واقع در کشور اجرا می‌شوند، اما الزاماً مربوط به نظم عمومی نیستند، چرا که قاضی یک کشور ممکن است به دعوای مربوط به مال منقول واقع در خارجه رسیدگی کرده و قانون آن کشور خارجی را اجرا کند.

ثانیاً نظم عمومی در این معنا چنان قلمرو وسیعی دارد که به‌صورت اصل ظاهر می‌شود و حال آن که امروزه نظم عمومی اغلب به‌عنوان استثنا بر اجرای قانون خارجی صلاحیت‌دار تلقی می‌شود. (سلجوقی، ۱۳۸۶: ۹۸).

۲- نظم عمومی به معنای محدودتر و استثنا بر صلاحیت قانون خارجی: روشن است که نظم عمومی در حقوق بین‌الملل خصوصی نمی‌تواند به معنای عام رعایت همه قواعد امری کشور باشد، زیرا در این صورت می‌بایست از اجرای قوانین خارجی مربوط به وضعیت و اهلیت و ارث و وصیت جلوگیری شود که اگر چنین بود حقوق بین‌الملل خصوصی فلسفه وجودی خود را از دست می‌داد، چه این که در برخی

می‌نماید و این همان تفاوت موجود بین ماده ۹۷۲ «مگر اینکه» داده است. زیرا با بیان قید و این ماده است. همچنین بر اساس نظر حقوق‌دانان، ماده ۹۷۲ از موارد نظم عمومی است و امکان پیش‌بینی قاعده خلاف آن در موارد دیگر وجود ندارد. اما ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی این امکان را پذیرفته است. به هر صورت به نظر بعضی حقوق‌دانان، ماده اخیرالذکر اصل را بر قابلیت اجرای احکام خارجی می‌داند، (مقصودی، ۱۳۹۵: ۱۶).

اما با نگاهی عمیق به این ۲ ماده می‌توان گفت که بین آنها اختلافی وجود ندارد: زیرا ماده ۹۷۲ برای اجرای احکام خارجی، اجازه محاکم ایران را ضروری دانسته و ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی برای اجرای این احکام شرایطی را پیش‌بینی کرده است که دادگاه باید وجود این شرایط را احراز کند. این تحلیل در راستای بحثی بود که در ابتدای مطلب بیان شده متذکر شدیم و گفتیم که بین موانع اجرای قانون خارجی با موانع اجرای احکام خارجی تفاوت است. چنان که مواد ۱۷۰ به بعد قانون اجرای احکام مدنی در تکمیل ماده ۱۶۹ همین قانون درخواست اجرای احکام خارجی از محاکم ایران و صدور مجوز را از شرایط احکام خارجی دانسته است. این همان موضوعی است که در ماده ۹۷۲ مورد اشاره قرار گرفته و در نهایت قوانین ایران قابلیت اجرای احکام خارجی در ایران را پیش‌بینی کرده است. (بهمنی، ۱۳۸۵: ۳۹).

اما برای اینکه احکام خارجی در ایران بتوانند قابلیت اجرایی یابند از مسیر محاکم ایران عبور و مجوز اجرا دریافت نمایند؛ لذا به‌منظور اینکه نحوه اقدام محاکم داخلی در ارزیابی احکام خارجی مشخص باشد قانون‌گذار ایران شرایطی را در ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی و در تکمیل ماده ۹۷۲ قانون مدنی برای صدور دستور به اجرا پیش‌بینی نموده است. شرایط اجرای احکام خارجی در ایران: با جمع مواد ۹۷۲ و ۹۷۴ قانون مدنی و مواد ۱۶۹ به بعد قانون اجرای احکام مدنی می‌توان تحقق شرایط زیرا را برای اجرای احکام خارجی در ایران ضروری دانست. (ارفع‌نیا، ۱۳۸۹: ۲۲).

باید بر حسب مورد به طور جداگانه بررسی می‌شود و تشخیص نظم عمومی صرفاً باید بر عهده قاضی باشد.

### ۳- شناسایی احکام خارجی

برای بررسی شرایط شناسایی احکام خارجی در حقوق ایران باید توأمان مواد قانون مدنی و قانون اجرای احکام مدنی مورد بحث و بررسی قرار بگیرد: ماده ۹۷۲ قانون مدنی اشعار می‌دارد: احکام صادر شده از محاکمه خارجی و همچنین اسناد رسمی لازم‌الاجرای تنظیم شده در خارج را نمی‌توان در ایران اجرا نمود مگر اینکه مطابق قوانین ایران امر به اجرای آنها صادر شده باشد. بنابراین برابر ماده ۹۷۳ قانون مدنی اصل بر عدم اجرای احکام خارجی در ایران است مگر اینکه محاکم ایران با تطبیق موضوع با قانون داخلی امر به اجرای آن صادر کنند. امر به اجرای احکام خارجی پس از رسیدگی دادگاه‌ها به اعتبار آنها و عدم تعارض این آرا با نظم عمومی و در واقع احراز نفوذ آنها طبق قانون ایران داده می‌شود. (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۱۶۳).

ماده ۹۷۴ ق.م نیز اندک ابهامی را در خصوص اصل عدم اجرای احکام خارجی را از بین می‌برد و بر اساس این ماده: مقررات ماده ۷ و مواد ۹۶۲ تا ۹۷۴ این قانون تا حدی به موقع اجرا گذارده می‌شود که مخالف عهود بین‌المللی که دولت ایران آن را امضا کرده و یا مخالف با قوانین مخصوصه نباشد. این ماده برای اجرای ماده ۹۷۲ شرط دیگری را نیز اضافه می‌کند و آن عدم مخالفت با عهود بین‌المللی و قوانین مخصوصه است. اما در قانون اجرای احکام مدنی وضعیت شناسایی احکام خارجی به نحو دیگر مقرر شده: در صدر ماده ۱۶۹ اشاره شده است که: احکام مدنی صادر شده از دادگاه‌های خارجی در صورتی که واجد شرایط زیر باشد در ایران قابل اجرا است؛ (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۸۳).

مگر اینکه در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد. از ظاهر این ماده چنین استنباط می‌شود که مقنن اصل را بر اجرای احکام خارجی قرار به عدم اجرای موارد استثنایی اشاره

همچنین پاسخ داده شد که: در خصوص اجرای آرای صادره از فرانسه تاکنون در ایران قراردادی منعقد نشده است اما به موجب قرارداد دریانوردی در بین ایران و فرانسه بطور ضمنی با شرایطی قابل اجرا بودن رای پیش‌بینی شده است (قدیر و دانش پژوه، ۱۳۹۲: ۲۶۳).

۳- حکم صادره از دادگاه صالح صادره شده باشد: برای صالح بودن مرجع قضایی صادر کننده حکم باید به ۲ موضوع توجه داشت.

الف) مسئله صلاحیت را نمی‌توان با تمسک به اصول کلی ناظر بر صلاحیت بین‌المللی در مورد دعاوی ترافیعی حل نمود، بلکه قواعد احراز صلاحیت به قواعد حل تعارض قوانین شبیه است بدین ترتیب گفته‌اند فقط هنگامی حکم محکمه خارجی مورد شناسایی واقع می‌شود که باتوجه به قواعد تعارض قوانین کشور محل اجرا بر اساس قانون داخلی صلاحیت‌دار کشور محل محکمه صادر شده باشد. (نصیری، ۱۳۸۳: ۴۱۹).

ب) حکم باید به وسیله یک محکمه قضایی صادر شده باشد؛ لذا احکام دیوان‌های

داوری خصوصی محاکم قضایی تلقی نمی‌شوند مگر اینکه دستور اجرای تصمیمات آن‌ها توسط دادگاه صادر شده باشد.

۴- اعتبار حکم بموجب قانون کشور مقرر دادگاه صادرکننده حکم: قاعده کلی که در این زمینه وجود دارد این است که صرف اشتباه در نحوه رسیدگی و یا حتی تخلف عمدی از مقررات آیین دادرسی، مادام که در مراجع صالح کشور محل صدور حکم بدان اعتنا نشده باشد، سبب ابطال حکم نشده و به اعتبار بین‌المللی آن لطمه ای وارد نمی‌آورد. با این وصف دادگاه شناسایی کننده حکم همان اعتباری را برای حکم قائل خواهد بود که مقررات دادرسی کشور محل استقرار دادگاه صادرکننده حکم برای آن قائل‌اند. (گاستون، ۱۳۸۷: ۱۹۸).

۵- قطعی و لازم الاجرا بودن حکم: این مورد که در بند چهارم ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی نیز بدان تصریح

البته در خصوص قانون اجرای احکام متذکر این نکته می‌شویم که قانون‌گذار بدون جداکردن شرایط شناسایی از شرایط اجرای احکام اقدام به تدوین مجموعه شرایطی کرده که در ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی متبلور شده است. حال به بررسی وضعیت شرایط شناسایی احکام خارجی می‌پردازیم:

۱- حکم صادره از دادگاه خارجی مربوط به دعاوی حقوقی به معنای اخص باشد: منظور از دعاوی حقوقی به معنای اخص همان دعاوی تجاری و مدنی هستند که در روابط خصوصی اشخاص حقیقی و حقوقی حقوق خصوصی متبلور می‌شوند. اگرچه ۹۷۲ را بطور مطلق بکار برده است اما به لحاظ نوع وضع آن (قانون مدنی) مقنن توجهی به احکام جزایی نداشته «احکام» ق.م. کلمه و با وجود اینکه مواد ۱ تا ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ وجود احکام صادره از خارج در ایران قابلیت اجرا ندارند. به عبارتی احکام ناظر بر مسائل جزایی و همچنین حقوق اداری اصولاً واجد تأثیر و جنبه برون مرزی نمی‌باشند. البتہ ذکر این نکته ضروری است که اگر حکم جزایی متضمن الزام به جبران ضرر و زیان نیز باشد و این امر از جنبه جزایی قابل تفکیک باشد، در اینصورت حکم به جبران زیان یاد شده، واجد جنبه برون مرزی شده و از این حیث قابلیت اجرا می‌یابد.

۲- معامله متقابل: دولت‌ها در برخورد با یکدیگر به مقوله معامله متقابل اهمیت بسیاری می‌دهند. بطوری که در گذشته این مورد از اصول کلی حقوقی بین‌المللی قلمداد می‌شد که البتہ امروزه این اصلی کلی تعدیل شده است به نحوی که اکثر کشورهای که دارای حقوق کامن لا هستند و حتی فرانسه بدون داشتن معامله متقابل حاضر به اجرای احکام خارجی می‌شوند بدون اینکه معامله ی متقابلی با کشور شخص داشته باشند. اما در حال حاضر از این اصل در حقوق ایران دست کشیده نشده است. بطوری که در بند ۲ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی به این امر تصریح شده. برای صحت این ادعا باید گفت که در پرسشی که از دایره مشورتی دادگستری پرسیده شده در خصوص اجرای رای صادره از فرانسه

### ۱- شناسایی احکام خارجی

بین عناوین شناسایی و اجرای حکم باید قائل به تفکیک شویم. بدین توضیح که یک حکم خارجی وقتی معتبر شناخته می‌شود که آثار مترتب بر آن، در کشور محل صدور حکم از حیث اصحاب و موضوع دعوا و مسائل مرتبط دیگر، در کشور خارجی نیز پذیرفته گردد و موقعی به مورد اجرا گذاشته می‌شود که علاوه بر معتبر شناخته شد، متضمن اعطای خواسته مشخصی نیز به محکوم له (حکم خارجی) باشد. بنابراین قبول اعتبار برای حکم شرط مقدم بر اجرای آن است (الماسی، ۱۳۸۹: ۶۲).

منظور از شناسایی احکام خارجی آن است که از دادگاه یک کشور خواسته شود تا حکمی را که مرجع خارجی صادر کرده معتبر تلقی نماید. اما برای اینکه احکام خارجی در ایران مورد شناسایی (نه اجرا) قرار گیرند شرایطی لازم است که در مبحث بعدی بدان خواهیم پرداخت. در اینجا متذکر این نکته می‌شویم که در حقوق ایران همانند حقوق فرانسه اصل بر عدم قابلیت شناسایی احکام خارجی یا شناسایی محدود است؛ اما رفته‌رفته با ملاحظات بین‌المللی و تغییر رویه قضایی فرانسه این اصل رفته‌رفته جای خود را به جای اصل شناسایی وسیع داد و امروزه فرانسه با توجه به مقتضیات روز وضعیت اجرای احکام خارجی را در حقوق خود تغییر داد برعکس حقوق ایران که هنوز در این زمینه نه تنها تغییری حاصل شده بلکه قضیه نیز مسکوت گذاشته شده است. در فرانسه دیوان عالی آن کشور در سال ۱۹۶۴ تحت تأثیر مقتضیات زندگی بین‌المللی و با توسل به ماده ۲۱۲۳ قانون مدنی خود و تفسیر جدید از آن سعی در تغییر در شناسایی احکام خارجی کرده و صریحاً اظهار نظر کرد که اجرای احکام صادره از محاکم خارجی در فرانسه مستلزم آن نیست که دادگاه فرانسوی قبل از صدور دستور اجرای حکم وارد ماهیت دعوی شده و محاکمه را تجدید نماید (مقصودی، ۱۳۹۴: ۱۱).

شده مبین این است که مقنن قصد دارد بر این شرط تاکید کند احکامی که در ایران دستور اجرایی آنها صادر می‌شود لازم الاجرا هستند. در غیر اینصورت این احکام در ایران قابلیت اجرایی ندارد. این شرط تصویب شده توسط مقنن به منظور حمایت از اتباع ایرانی است نه دادن حق بیشتر به اتباع خارجی. بعبارتی یک فرد خارجی هیچگاه نمی‌تواند حقوقی بیشتر از آنچه که یک ایرانی دارا است را دارا شود. در نظام های حقوقی مختلف مقصود از قطعیت حکم متفاوت است. اما همگی بر این موضوع اتفاق نظر دارند که قرارها و دستورات موقتی محاکم مانند قرارهای تامین خواسته در دیگر کشورها قابلیت شناسایی و اجرا ندارند. زیرا امکان فسخ چنین تصمیماتی همواره وجود دارند لذا حکم غیابی در کشور خارجی قابل اجرا نمی‌باشد. البته قطعی و لازم الاجرا بودن حکم خارجی را طبق قانون کشور صادرکننده حکم باید تشخیص داد. (خمامی زاده، ۱۳۹۱: ۱۰).

مثلاً اگر تصمیم قضایی در خارج از قلمرو صادرکننده قابل اجرا نباشد؛ مانند حکمی که مطابق قانون کشور صادرکننده حکم در مورد اموال شخصی که از آن درخواست اجرای حکم شده صادر گردیده است، باشد، قابل اجرا نیست زیرا احوال شخصی طبق ماده ۶ ق.م.ایران تابع قانون کشور متبوع شخص است؛ لذا مختومه نبودن موضوع و حکم غیرقطعی در ایران قابل اجرا نیست.

### ۴- زمینه های اجرای قانون صلاحیت دار

قانون صلاحیت دار در چه مواردی شکل می‌گیرد و ریشه بنیادین احکام خارجی در حقیقت بر چه مبنایی استوار است؛ لذا در این بخش ابتدا به بررسی مفهوم شناسایی احکام خارجی می‌پردازیم سپس شرایط اجرای احکام خارجی را مورد بررسی قرار می‌دهیم و در آخر مکاتب حقوقی ای را که نظام اجرای احکام خارجی بر مبنای آن استوار است را ارزیابی خواهیم کرد:



## - شرایط شناسایی

قبل از ورود به شرایط شناسایی حکم خارجی لازم به ذکر است که از شرایط شناسایی حکم در فرانسه نام ببریم زیرا همان‌طور که می‌دانیم حقوق ایران و فرانسه در موارد متعددی در حوزه‌های مختلف از جمله مسائل بین‌الملل خصوصی دارای اشتراکات زیادی هستند.

ج) شرایط شناسایی احکام خارجی در فرانسه به شرح ذیل است: ۱- صلاحیت دادگاه صادرکننده حکم: این شرط مهم‌ترین شرطی است که برای شناسایی احکام صادره از دادگاه‌های خارجی لازم است (الماسی، ۱۳۸۹: ۶۶).

در واقع دادگاه فرانسوی با این استدلال مواجه است که آیا دادگاه خارجی برای رسیدگی به دعوا، واجد صلاحیت به معنای بین‌المللی بوده یا خیر؟ این نوع صلاحیت را که در حقوق فرانسه صلاحیت بین‌المللی یا عام می‌نامند، طبق قواعد حقوق فرانسه باید احراز نمود. منظور آن است که دادگاه‌های فرانسه از اجرای احکام خارجی صادره در دعاوی که در صلاحیت انحصاری دادگاه‌های فرانسه باشد خودداری می‌کنند. ۲- رعایت دادرسی منظم: منظور از احراز این شرط یعنی اینکه دادگاه فرانسوی قبل از صدور دستور اجرا باید بررسی کند که آیا دادگاه صادرکننده حکم، قواعد آیین دادرسی را طبق قانون مقر دادگاه رعایت کرده یا خیر؟ این شرط را در رأی که در نهم ژانویه ۱۹۵۱ دیوان عالی فرانسه صادر کرده و احراز آن را الزامی دانسته می‌توان جست. این شرط از دیدگاه حقوق فرانسه یک شرط مربوط به مسئله نظم عمومی است. (نیکبخت، ۱۳۸۵: ۱۳)

۳- صلاحیت قانون حاکم بر ماهیت دعوی: برای احراز این شرط دادگاه فرانسوی بررسی خواهد کرد که آیا دادگاه خارجی قانون صالح را طبق سیستم حل تعارض فرانسوی انتخاب نموده یا خیر. اگر چه برخی حقوقدانان این شرط را لازم ندانسته‌اند و بر این عقیده‌اند که پس از احراز صلاحیت محکمه خارجی تعیین قانون صلاحیت‌دار باید در اختیار همان

محکمه باشد، ولی غالب حقوقدانان فرانسه همواره لزوم انتخاب قانون صلاحیت‌دار به موجب قاعده حل تعارض فرانسه را مورد تأکید قرار داده‌اند. در رأی مورخ هفتم ژانویه ۱۹۶۴ دیوان عالی فرانسه که در دعوی مونزر صادر گردیده، اعمال قانون صلاحیت‌دار به حسب قواعد حل تعارض فرانسه مجدداً مورد تأکید قرار گرفته است. (اخوان فرد و کیخافرزانه، ۱۳۹۲: ۱۹)

۴- عدم مخالفت حکم با نظم عمومی فرانسه: طبق این شرط پیش از صدور دستور اجرای حکم صادره از دادگاه خارجی باید توجه کرد که اجرای حکم دادگاه خارجی با نظم عمومی فرانسه تباین دارد یا خیر؟ ضمانت اجرای این شرط قابل تجدید نظر بودن ماهوی حکم می‌باشد. البته در زمینه شناسایی اجرای احکام خارجی، دادگاه‌ها با اثر خفیف نظم عمومی مواجهند نه اثر شدید آن زیرا در اینجا مسئله حقوق ایجاد شده در خارج مطرح است و همان‌طور که می‌دانیم در مرحله اثرگذاری حق، شدت نظم عمومی کمتر از مرحله ایجاد حق است. (طباطبای و قاسمی، ۱۳۹۰: ۲۳).

## - شرایط شناسایی احکام خارجی در حقوق ایران

برای بررسی شرایط شناسایی احکام خارجی در حقوق ایران باید توأمان مواد قانون مدنی و قانون اجرای احکام مدنی مورد بحث و بررسی قرار بگیرد: ماده ۹۷۲ قانون مدنی اشعار می‌دارد: احکام صادر شده از محاکمه خارجی و همچنین اسناد رسمی لازم‌الاجرای تنظیم شده در خارج را نمی‌توان در ایران اجرا نمود مگر اینکه مطابق قوانین ایران امر به اجرای آنها صادر شده باشد. بنابراین برابر ماده ۹۷۳ قانون مدنی اصل بر عدم اجرای احکام خارجی در ایران است مگر اینکه محاکم ایران با تطبیق موضوع با قانون داخلی امر به اجرای آن صادر کنند. امر به اجرای احکام خارجی پس از رسیدگی دادگاه‌ها به اعتبار آنها و عدم تعارض این آرا با نظم عمومی و در واقع احراز نفوذ آنها طبق قانون ایران داده می‌شود. (صفایی، ۱۳۸۸: ۱۶۳)



و صدور مجوز را از شرایط احکام خارجی دانسته است. این همان موضوعی است که در ماده ۹۷۲ مورد اشاره قرار گرفته و در نهایت قوانین ایران قابلیت اجرای احکام خارجی در ایران را پیش‌بینی کرده است. (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۲: ۳۹).

اما برای اینکه احکام خارجی در ایران بتوانند قابلیت اجرایی یابند از مسیر محاکم ایران عبور و مجوز اجرا دریافت نمایند؛ لذا به منظور اینکه نحوه اقدام محاکم داخلی در ارزیابی احکام خارجی مشخص باشد قانونگذار ایران شرایطی را در ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی و در تکمیل ماده ۹۷۲ قانون مدنی برای صدور دستور به اجرا پیش‌بینی نموده است. شرایط اجرای احکام خارجی در ایران: با جمع مواد ۹۷۲ و ۹۷۴ قانون مدنی و مواد ۱۶۹ به بعد قانون اجرای احکام مدنی می‌توان تحقق شرایط زیرا را برای اجرای احکام خارجی در ایران ضروری دانست. (ارفع‌نیا، ۱۳۸۹: ۲۲).

البته در خصوص قانون اجرای احکام متذکر این نکته می‌شویم که قانونگذار بدون جداکردن شرایط شناسایی از شرایط اجرای احکام اقدام به تدوین مجموعه شرایطی کرده که در ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی متبلور شده است. حال به بررسی وضعیت شرایط شناسایی احکام خارجی می‌پردازیم:

۱- حکم صادره از دادگاه خارجی مربوط به دعاوی حقوقی به معنای اخص باشد: منظور از دعاوی حقوقی به معنای اخص همان دعاوی تجاری و مدنی هستند که در روابط خصوصی اشخاص حقیقی و حقوقی حقوق خصوصی متبلور می‌شوند. اگرچه ۹۷۲ را بطور مطلق بکار برده است اما به لحاظ نوع وضع آن (قانون مدنی) مقنن توجهی به احکام جزایی نداشته «احکام» ق.م کلمه و با وجود اینکه مواد ۱ تا ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ وجود احکام صادره از خارج در ایران قابلیت اجرا ندارند. به عبارتی احکام ناظر بر مسائل جزایی و همچنین حقوق اداری اصولاً واجد تأثیر و جنبه برون مرزی نمی‌باشند. البته ذکر این نکته ضروری است که اگر حکم جزایی متضمن الزام به جبران ضرر و زیان نیز باشد و این امر از جنبه جزایی قابل تفکیک باشد، در اینصورت

ماده ۹۷۴ ق.م نیز اندک ابهامی را در خصوص اصل عدم اجرای احکام خارجی را از بین می‌برد و بر اساس این ماده: مقررات ماده ۷ و مواد ۹۶۲ تا ۹۷۴ این قانون تا حدی به موقع اجرا گذارده می‌شود که مخالف عهود بین‌المللی که دولت ایران آن را امضا کرده و یا مخالف با قوانین مخصوصه نباشد. این ماده برای اجرای ماده ۹۷۲ شرط دیگری را نیز اضافه می‌کند و آن عدم مخالفت با عهود بین‌المللی و قوانین مخصوصه است. اما در قانون اجرای احکام مدنی وضعیت شناسایی احکام خارجی به نحو دیگر مقرر شده: در صدر ماده ۱۶۹ اشاره شده است که: احکام مدنی صادر شده از دادگاه های خارجی در صورتی که واجد شرایط زیر باشد در ایران قابل اجرا است؛ (متین دفتری، ۱۳۹۱: ۸۳).

مگر اینکه در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد. از ظاهر این ماده چنین استنباط می‌شود که مقنن اصل را بر اجرای احکام خارجی قرار به عدم اجرای موارد استثنایی اشاره می‌نماید و این همان تفاوت موجود بین ماده ۹۷۲ «مگر اینکه» داده است. زیرا با بیان قید و این ماده است. همچنین بر اساس نظر حقوق دانان، ماده ۹۷۲ از موارد نظم عمومی است و امکان پیش‌بینی قاعده خلاف آن در موارد دیگر وجود ندارد. اما ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی این امکان را پذیرفته است. به هر صورت به نظر بعضی حقوق دانان، ماده اخیرالذکر اصل را بر قابلیت اجرای احکام خارجی می‌داند، (معزی، ۱۳۹۱: ۹۷).

اما با نگاهی عمیق به این ۲ ماده می‌توان گفت که بین آنها اختلافی وجود ندارد: زیرا ماده ۹۷۲ برای اجرای احکام خارجی، اجازه محاکم ایران را ضروری دانسته و ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی برای اجرای این احکام شرایطی را پیش‌بینی کرده است که دادگاه باید وجود این شرایط را احراز کند. این تحلیل در راستای بحثی بود که در ابتدای مطلب بیان شده متذکر شدیم و گفتیم که بین موانع اجرای قانون خارجی با موانع اجرای احکام خارجی تفاوت است. چنان که مواد ۱۷۰ به بعد قانون اجرای احکام مدنی در تکمیل ماده ۱۶۹ همین قانون درخواست اجرای احکام خارجی از محاکم ایران

داوری خصوصی محاکم قضایی تلقی نمی‌شوند مگر اینکه دستور اجرای تصمیمات آن‌ها توسط دادگاه صادر شده باشد.

۴- اعتبار حکم بموجب قانون کشور مقرر دادگاه صادرکننده حکم: قاعده ی کلی که در این زمینه وجود دارد این است که صرف اشتباه در نحوه ی رسیدگی و یا حتی تخلف عمدی از مقررات آیین دادرسی، مادام که در مراجع صالح کشور محل صدور حکم بدان اعتنا نشده باشد، سبب ابطال حکم نشده و به اعتبار بین المللی آن لطمه ای وارد نمی‌آورد. با این وصف دادگاه شناسایی کننده حکم همان اعتباری را برای حکم قائل خواهد بود که مقررات دادرسی کشور محل استقرار دادگاه صادرکننده حکم برای آن قائل اند. (گاستون، ۱۳۸۷: ۱۹۸).

۵- قطعی و لازم الاجرا بودن حکم: این مورد که در بند چهارم ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی نیز بدان تصریح شده مبین این است که مقنن قصد دارد بر این شرط تاکید کند احکامی که در ایران دستور اجرایی آنها صادر می‌شود لازم الاجرا هستند. در غیر اینصورت این احکام در ایران قابلیت اجرایی ندارد. این شرط تصویب شده توسط مقنن به منظور حمایت از اتباع ایرانی است نه دادن حق بیشتر به اتباع خارجی. بعبارتی یک فرد خارجی هیچگاه نمی‌تواند حقوقی بیشتر از آنچه که یک ایرانی دارا است را دارا شود. در نظام های حقوقی مختلف مقصود از قطعیت حکم متفاوت است. اما همگی بر این موضوع اتفاق نظر دارند که قرارها و دستورات موقتی محاکم مانند قرارهای تامین خواسته در دیگر کشورها قابلیت شناسایی و اجرا ندارند. زیرا امکان فسخ چنین تصمیماتی همواره وجود دارند لذا حکم غیابی در کشور خارجی قابل اجرا نمی‌باشد. البته قطعی و لازم الاجرا بودن حکم خارجی را طبق قانون کشور صادرکننده حکم باید تشخیص داد. (نصیری، ۱۳۸۳: ۳۸۹).

مثلاً اگر تصمیم قضایی در خارج از قلمرو صادرکننده قابل اجرا نباشد؛ مانند حکمی که مطابق قانون کشور صادرکننده حکم در مورد اموال شخصیه که از آن درخواست اجرای حکم

حکم به جبران زیان یاد شده، واجد جنبه برون مرزی شده و از این حیث قابلیت اجرا می‌یابد.

۲- معامله متقابل: دولت‌ها در برخورد با یکدیگر به مقوله معامله متقابل اهمیت بسیاری می‌دهند. بطوری که در گذشته این مورد از اصول کلی حقوقی بین المللی قلمداد می‌شد که البته امروزه این اصلی کلی تعدیل شده است به نحوی که اکثر کشورهایی که دارای حقوق کامن لا هستند و حتی فرانسه بدون داشتن معامله متقابل حاضر به اجرای احکام خارجی می‌شوند بدون اینکه معامله ی متقابلی با کشور شخص داشته باشند. اما در حال حاضر از این اصل در حقوق ایران دست کشیده نشده است. بطوری که در بند ۲ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی به این امر تصریح شده. برای صحت این ادعا باید گفت که در پرسشی که از دایره مشورتی دادگستری پرسیده شده در خصوص اجرای رای صادره از فرانسه همچنین پاسخ داده شد که: در خصوص اجرای آرای صادره از فرانسه تاکنون در ایران قراردادی منعقد نشده است اما به موجب قرارداد دریانوردی در بین ایران و فرانسه بطور ضمنی با شرایطی قابل اجرا بودن رای پیش‌بینی شده است (لندو، ۱۳۷۶: ۲۶۳).

۳- حکم صادره از دادگاه صالح صادره شده باشد: برای صالح بودن مرجع قضایی صادر کننده حکم باید به ۲ موضوع توجه داشت.

الف) مسئله صلاحیت را نمی‌توان با تمسک به اصول کلی ناظر بر صلاحیت بین‌المللی در مورد دعاوی ترافیعی حل نمود، بلکه قواعد احراز صلاحیت به قواعد حل تعارض قوانین شبیه است بدین ترتیب گفته‌اند فقط هنگامی حکم محکمه خارجی مورد شناسایی واقع می‌شود که با توجه به قواعد تعارض قوانین کشور محل اجرا بر اساس قانون داخلی صلاحیت‌دار کشور محل محکمه صادر شده باشد. (نصیری، ۱۳۸۳: ۴۱۹).

ب) حکم باید به‌وسیله یک محکمه قضایی صادر شده باشد؛ لذا احکام دیوان‌های

متفاوت از تشریفات دادرسی است، موجب می‌شود حکم صادره، اگرچه ممکن است در کشور محل صدور قابلیت اجرا داشته باشد اما اثر برون مرزی نخواهد داشت. نمود عینی این مورد در مواد ۴۴ تا ۵۱ قانون موافقت نامه دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت فدراسیون روسیه در پرونده های مدنی و جزایی آمده است که در تاریخ ۲۰ آذر ۱۳۷۵ توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب شده است. بند ۱ ماده ۵۰ این موافقت نامه یکی از موارد امتناع از اجرای حکم دادگاه خارجی را موردی می‌داند که خواننده به دلیل عدم تحویل به موقع یا بطور مناسب احضاریه دادگاه، نتوانسته باشد در محاکمه شرکت کند و حق دفاع هر چند بطور ناخواسته (به طرق اولی بصورت خواسته) از وی سلب شده است. رک: قانون موافقت نامه دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت فدراسیون روسیه جهت معاضدت در پرونده های مدنی و جزایی مصوب ۲ آذر ۷۵).

۳- مطرح بودن همان دعوا در محکمه ی ایرانی: این شرط در حوزه داخلی یک از مواردی است که خواننده می‌تواند دعوای خواهان را در رسیدگی دچار اشکال کند. در بند ۲ م ۸۴ ق. آ دادرسی مدنی نیز متبلور شده است. در خصوص اجرای احکام خارجی باید گفت که به موجب قسمت اخیر م ۹۷۱ ق.م. که می‌گوید: دعوای از حیث صلاحیت محاکم و قوانین راجع به اصول محاکمات، تابع قانون محل خواهد بود که در آنجا اقامه می‌شود مطرح بودن همان دعوی در محکمه اجنبی رافع صلاحیت محکمه ایران نخواهد بود. در این صورت صرف طرح دعوا در محکمه ایرانی، مانع صدور دستور اجرای حکم خارجی خواهد شد. (نصیری، ۱۳۸۵: ۱۷۷).

۴- حکم خارجی با مقررات عهد بین الملل که ایران عضو آن است مغایر باشد: این امر که در بند ۳ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی ایران نیز بدان تصریح شده مبین این امر است که اگر حکمی خارجی صادر شد و در ایران حقی شناسایی شد ولی مفاد آن در صورت اجر با مقررات حقوقی

شده صادر گردیده باشد، قابل قابل اجرا زیرا احوال شخصی طبق ماده ۶ ق.م.ایران تابع قانون کشور متبوع شخص است؛ لذا مختومه نبودن موضوع و حکم غیرقطعی در ایران قابل اجرا نیست.

#### ۵- موانع اجرای قانون صلاحیت دار خارجی

طرح بحث: گاهی اوقات برخی موانع به وجود می‌آید که احکام صادره از محاکم خارجی قابلیت اجرای حکم را ندارند. به عبارتی ممکن است این موانع اجرا حتی بعد از شناسایی حکم صادره باشد. یعنی اصولاً موانع اجرا احکام به طور عمده پس از شناسایی حکم مطرح می‌شود. زیرا تا زمانی که حکمی شناسایی نشود بحث اجرای آن مطرح نیست که در صورت نبود بعضی از شرایط اجرای حکم، بحث موانع اجرا مطرح شود. در این بخش ما موانع اجرای احکام را به ۲ دسته موانع ماهوی اجرای احکام خارجی و موانع مشکلی اجرای احکام خارجی تقسیم کرده‌ایم سپس به وضعیت احکامی که در رابطه با امور حسبی و جزایی هستند می‌پردازیم. این تقسیم‌بندی اولین بار توسط نگارندگان مطرح شده و سعی بر آن است که تمام ابعاد موانع اجرای احکام در آن دیده شود، (مرشدی زاده، ۱۳۸۷: ۱۱۴).

الف) موانع شکلی: بطور عمده موانع شکلی به ۷ دسته تقسیم می‌گردد. بعبارت دیگر در صورت وجود مواردی که خواهد آمد.

احکام خارجی قابلیت اجرا ندارند و در صورتی که موارد ۷ گانه مفقود باشد موردی برای عدم اجرای احکام خارجی باقی نخواهد ماند: موانع به ترتیب ذیل عبارت‌اند از:

۱- نامنظم بودن رسیدگی و عدم رعایت اولیه دادرسی و سلب حق دفاع: بطور عمده حتی در حقوق داخلی و مراجع قضایی داخلی دادرسی نامنظم و رعایت نشدن اصول دادرسی سبب بی اعتباری حکم می‌باشد. (شکری ۱۳۹۲: ۳۷).

۲- عدم رعایت این موازین در حکم سلب حق دفاع از مدعی علیه تلقی می‌گردد و در واقع اصول دادرسی که

سنجد که اکثر صلاحیت با دادگاه خارجی می باشد مشکلی بوجود نمی آید. اما اگر طبق قوانین ایران رسیدگی به دعوی در صلاحیت خاص دادگاه های ایران باشد. حکم خارجی قابل اجرا نیست. مثل ماده ۳۵۵ قانون امور حسبی که می گوید رسیدگی به دعاوی راجع به ترکه اتباع خارجه در ایران در صلاحیت دادگاه ایران است. (قوام، ۱۳۸۶: ۱۶۱).

#### ۶- مصادیق اجرای حقوق خارجی

##### - نقض دادرسی منصفانه

منصفانه نبودن جریان دادرسی از مهم ترین مصادیق نقض نظم عمومی است؛ اما در بیشتر اسناد بین المللی و داخلی راجع به داوری، به عنوان یک معیار جداگانه، خاص و مستقل اعتراض به رأی عنوان شده است. شاید هم به همین جهت بسیاری، نقض دادرسی منصفانه را نقطه‌ی مشترک بین موانع اجرای رأی حقوق خصوصی و موانع اجرای رأی حقوق عمومی برشمرده‌اند. هر انسانی دارای یک سری حقوق ذاتی و فطری است که از طرف ذات مقدس حضرت باری تعالی به او اعطا شده است و هیچ مخلوقی اجازه‌ی سلب این حقوق را از بندگان خداوند ندارد. قبول این حقوق طبیعی و فطری هر انسانی به نوع نگرش فطری آزاد به شخصیت انسانی است. این حقوق سلب نمی‌شود مگر در محدوده‌ی حقوق دیگران؛ بنابراین اگر درک این موضوع که این آزادی هدیه‌ای از طرف ذات حضرت باری و از خصایص وابسته به ذات بشر است را داشته باشیم می‌توان حق بر دادرسی منصفانه را نیز یک حق فطری دانست. ویژگی و اهمیت این حقوق تا اندازه‌ای است که اشخاص نمی‌توانند این حقوق را ولو برای مدتی کوتاه و محدود حتی از خودشان سلب کنند. این حقوق یعنی حق بر دادرسی منصفانه خاص اشخاص حقیقی نیست و شامل حال اشخاص حقوقی هم می‌شود؛ چرا که اشخاص حقوقی هم دارای حقوق مدنی هستند که این حق به تمام افراد یک جامعه منتسب می‌شود. اشخاص حقوقی تنها حقوق مربوط به طبیعت انسان مثل حق نکاح کردن را دارا نیستند. می‌توان اصول

ای که ایران در سطح بین المللی بدان پیوسته مغایر باش از موانع اجرا حکم به شمار می رود. بطور کلی طبق م ۹ ق.م. مقررات عمومی که بر طبق قانون اساسی بین ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون داخل است. بنابراین مغایر حکم خارجی با مقررات اینگونه عهدنامه ها به معنی مغایر با قوانین داخلی ایران است و حکم خارجی در این مورد اجرا نمی شود. (مردانی، ۱۳۹۰: ۱۴۹).

۵- حکم صادره از دادگاه خارجی اعتبار خود را از دست داده باشد: بنابراین مورد اگر حکمی که در خارج صادر شده اما به هر علت اعتبار خود را از دست داده باشد حتی اگر شناسایی شود باز هم قابل اجرا نیست. این امر در قسمت اخیر بند ۴ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی نیز تصریح شده است. اما برای تحلیل اعتبار حکم باید حکم معتبر را مورد تحلیل قرار دهیم. حکم معتبر حکمی است که بر طبق قانونی که بر آن حکومت می‌کند بوجود آمده و تمام شرایط که مطابق قانون محل برای تشکیل آن لازم است رعایت شده و معتبر باقی بماند. مثلاً اگر حکمی در حوزه قواعد حقوق تجارت صادر شود با توجه به اینکه مرور زمان در حوزه حقوق تجارت به قوت خود باقی است اگر حکم دچار مرور زمان تجاری شود دیگر این حکم قابلیت اجرا ندارد، (جعفری تبریزی، ۱۳۸۵: ۱۲۷).

۶- حکم مخالف حکم خارجی در یکی از دادگاه های ایران صادر شود: این مورد نیز از موانع اجرای حکم خارجی در ایران است که در بند ۵ م ۱۶۹ قانون اجرای احکام مورد تصریح قرار گرفته است. صرف صدور حکم مغایر حکم خارجی در ایران قبل از صدور حکم خارجی و لو اینکه اجراییه در مورد آن صادر نشده باشد، مانع اجرای حکم خارجی خواهد بود (مردانی، ۱۳۹۰: ۱۴۹).

۷- رسیدگی به موضوع دعوا مطابق قوانین ایران اختصاص به دادگاه های ایران داشته باشد: این امر مورد تصریح بند ۶ م ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی قرار گرفته است. در این قسمت صلاحیت دادگاه خارجی را مطابق قوانین ایران می

عدم انصاف را هم در برمی‌گیرد. به‌ویژه آن که در صورت نبودن محکوم علیه در جریان رسیدگی، خود دادگاه می‌تواند رأساً با استناد به بند ب (نظم عمومی) مانع اجرای رأی شود. در هر حال نقض جریان رسیدگی اگر خیلی واضح و آشکار باشد، خودش به‌تنهایی موجب امتناع از اجرای رأی می‌شود. هر چند در مواردی این عدم نقض مستلزم اظهار نظر و بررسی ماهوی می‌شود که این موضوع در کنوانسیون جایگاهی ندارد. آن منحرف شوند. (مواد ۳ و ۱۲ بند دوم) ماده‌ی ۱۵ قواعد داوری آنستیرال نیز به موضوع داوری برابر طرفین اشاره می‌کند و این که هر طرف می‌بایست فرصت کامل برای ارائه دیدگاه‌های خود داشته باشد. این ماده (ماده‌ی ۱۵) بعدها توسط دیوان داوری دعاوی ایران و ایالات متحده مورد استفاده قرار گرفت. از این ماده به‌عنوان «قلب قواعد داوری آنستیرال» یاد می‌شود.

#### ب- قانون داوری تجاری ایران

ماده‌ی ۱۸ قانون داوری تجاری ایران در خصوص نحوه‌ی رسیدگی داوری مقرر می‌کند: رفتار با طرفین باید مساوی باشد و به هر کدام از آنان فرصت کافی برای طرح ادعا یا دفاع و ارائه دلایل داده شود. همچنین بندهای ج و د ماده‌ی ۳۳ قسمت اول آن، ضمانت اجرای نقض عناوین مطرح شده در این بندها را که می‌تواند معادل با نقض دادرسی منصفانه نیز باشد، را به‌عنوان ابطال رأی داوری پیش‌بینی کرده است. در نظام‌های داوری متعددی چنین تلقی می‌شود که لزومی ندارد یک دادرسی منصفانه را موجبی جداگانه برای ابطال رأی داوری یا موارد امتناع از شناسایی و اجرای رأی داوری بدانیم. اما به طور مثال به‌موجب قانون ۱۹۸۱ فرانسه موجبات توسل علیه یک رأی داوری بین‌المللی از جمله عبارت است از وقتی که دادرسی عادلانه و منصفانه مورد احترام واقع نشده باشد. به جز در موارد اشاره شده به جهت شباهت‌های زیاد، فرقی میان مفاهیم قانون نمونه آنستیرال و قانون داوری تجاری ایران نیست. به نظر می‌رسد با در نظر گرفتن مباحث اخیر، از جهت

دادرسی منصفانه را نقطه‌ی اصلی تلاقی اخلاق و حقوق در داوری‌های در این بند تنها به موضوع اخطار مناسب به طرفین اختلاف و قادر بودن هر یک از طرفین به طرح دفاع از خود اشاره می‌شود. شاید به همین دلیل هم هست که در مواردی به این ماده بسیار مضیق نگاه شده و نقض را در موارد بسیار مهم پذیرفته‌اند.<sup>۱</sup> در این باره که کنوانسیون به موضوع منصفانه بودن جریان رسیدگی نپرداخته است، چند نظر وجود دارد: اول اینکه به اعتقاد برخی، معیار منصفانه بودن رسیدگی داوری و درج ماده‌ی پنج اول «ب» یک قاعده‌ی کاملاً بین‌المللی است و این معیار باتوجه‌به استانداردهای مطرح در سطح بین‌المللی ارزیابی خواهد شد. در مقابل، ون دن برگ که از مفسرین به نام کنوانسیون نیویورک است اعتقاد دارد دادگاه‌های اجراکننده‌ی حکم که دفاع نزد آن‌ها مطرح می‌شود رسیدگی منصفانه را در نهایت باتوجه‌به قواعد قانونی خود بررسی خواهند کرد. چرا که موضوع عدم انصاف در یک پرونده مسئله‌ای است که استنادکننده به آن باید آن را ثابت کند و معمولاً برای اثبات از قواعد کشور مقر دادگاه استفاده خواهد کرد. زیرا که علی‌القاعده قاضی رسیدگی‌کننده به قوانین مقر خود آشناتر است. با وجود دو معیار «استفاده از معیارهای بین‌المللی» و «استفاده از قواعد مقر دادگاه» که هر دو در نهایت مبین صفت عدالت و انصاف هستند، نتیجه هر دو دادرسی یکسان خواهد بود. در قوانین داخلی بیشتر کشورها مسئله‌ی منصفانه بودن جریان رسیدگی در پرتو قوانین و معیارهای نظم عمومی مطرح می‌شود؛ و به همین جهت که عنوان نظم عمومی یک عنوان عام‌تری نسبت به منصفانه بودن جریان رسیدگی است، در روند دادرسی‌های مطرح شده معمولاً برای عدم اجرای رأی عنوان کلی نظم عمومی مطرح می‌شود. نظم عمومی در ماده‌ی پنج بند دوم «ب» کنوانسیون درج شده است و به نظر می‌رسد که این عنوان آن قدر گسترده است که مسائل

<sup>۱</sup> در این پرونده، به مسئله‌ی فقدان فرصت برای ارائه ادله و دفاع برای امتناع از اجرای رأی پرداخته شده است.

مفاهیم کلی و طرح موضوع منصفانه بودن رسیدگی در پرتوی موضوع عامی چون نظم عمومی تفاوت چندانی بین این دو قانون و کنوانسیون نیویورک وجود ندارد.

#### - مصادیق دادرسی غیر منصفانه

به منظور ملموس تر نمودن و عینی تر کردن مفهوم رسیدگی ترافیعی به سه اصل مهم اشاره می شود که این سه اصل جزئی از درون این مفاهیم آمده و به اصول اجباری دادرسی معروف گردیده است. الف: اصل ابلاغ ب: اصل رعایت حق دفاع ج: اصل بی طرفی و رفتار مساوی با طرفین؛ بنابراین نبود هر کدام از این مصادیق به طور جداگانه، مانعی بر سر اجرای رأی داورى خواهد بود. در زیر به بررسی هر کدام از این مصادیق می پردازیم: استفاده شده است. شاید به این دلیل که «مناسب» در برگرفته ی: طرف دعوا، زمان و نام داورها و غیره است و از این نظر واژه ی جامع تر و معانی عام تری را در برمی گیرد. در روند دادرسی داورى برخلاف روند دادرسی های دادگاهی، نام و شخصیت داوران تأثیرگذار است و نه فقط به خاطر معروفیت یا حسن شهرت آن ها، بلکه بیشتر به جهت استقلال داوران؛ پر واضح است که عدم این ویژگی می تواند سرنوشت روند داورى را تغییر دهد. موضوع ابلاغ مناسب تنها در یک مرحله و زودگذر نیست؛ نیاز به ابلاغ از لحظه ی تقدیم دادخواست یکی از طرفین به نهاد داورى شروع می شود و تا آخرین لحظه ی ختم دادرسی ادامه می یابد. خصوصیت مناسب بودن ابلاغ، از بدو دادرسی داورى تا ختم آن باید همچنان وجود داشته باشد. برخی ابلاغ مناسب و متعارف را تا آخرین ابلاغ مؤثر در ارائه مواضع طرفین در دعوا، لازم می دانند؛ (نیکبخت، ۱۳۸۵، ۶۳).

اما مؤثر بودن خیلی نسبی است و تشخیص آن به روند داورى، بار دیگری بر دوش قضاوت داورى تحمیل می کند. پس بهتر است ابلاغ مناسب و متعارف را خصیصه ای الزامی در تمام طول روند دادرسی داورى بدانیم. جدای از اینکه چقدر هر ابلاغ مؤثر در روند داورى یا غیرمؤثر باشد، مناسب بودن

ابلاغ و تشخیص آن با دادگاه رسیدگی کننده است؛ از جمله موارد ابلاغ مناسب، رعایت مهلت زمانی معقول بین ابلاغ و اقدامی که می بایست انجام گیرد است. صدا البته که اگر در قراردادی داورى نحوه ی خاصی برای ابلاغ پیش بینی شده باشد، حتماً باید بر طبق آن ابلاغ ها صورت گیرد و این مسئله است که دادگاه و نهاد داورى صالح الزاماً باید آن را در نظر بگیرد؛ مگر آن که با قواعد اجباری مبدأ در تعارض باشد. عدم رعایت این موضوع یعنی نامناسب بودن ابلاغ وقتی قابل استماع است که خواننده به مفاد توافقات فی مابین عمل نکرده باشد. در هر حال اگر خواننده و نهاد داورى قصوری نکرده باشند و ابلاغ مناسب تشخیص داده شود علی القاعده مدعی فرصت دفاع لازم و اقدام مقتضی را داشته و ادعای وی بی اساس جلوه خواهد کرد؛ مگر آن که موارد استثنایی را برای دادگاه اثبات نماید به طور مثال محدودیت زمانی یا دوری راه به حدی بوده است که امکان دفاع از مدعی و معترض به رأی سلب شده باشد. موضوع ابلاغ از موردی به مورد دیگر متفاوت است و در پرونده باید به طور جداگانه مورد بررسی قرار گیرد. واضح است که اگر موارد ابلاغ مناسب رعایت شده باشد و خواننده بدون دلیل موجه از دفاع و مشارکت در روند دادرسی داورى خودداری کرده باشد، حق استناد به این موجب را نخواهد داشت. بنابراین، به صرف عدم حضور یکی از طرفین یا واضح تر تشکیل داورى است؛ بنابراین این بند به رعایت تشریفات مقرر در دادرسی اشاره می کند؛ رعایت تشریفات مقرر در دادرسی را «due process» می نامند. مشابه این بند در مورد ابلاغ مناسب را می توان در بند C ماده ی ۱۰۳ قانون داورى ۱۹۹۶ انگلیس که مقرر می کند: «ابلاغیه و اطلاعیه انتخاب داورها یا مراحل دادرسی به طور صحیح به او ابلاغ نشده و در ارائه پرونده و دفاعیه خود بازمانده است.» یابند اول b از ماده ی ۱۰۶۵ قانون داورى هلند یابند دوم a از ماده ی ۱۹۰ قانون بین الملل خصوصی سوئیس در داورى؛ پیش تر به موضوع ابلاغ در کنوانسیون نیویورک پرداختیم؛ در این بند نیز به اعمال قاعده ی استاندارد دادگاه محل صدور رأی و رعایت

مشخص نبودن قانون خارجی، تراضی طرفین بر عدم اجرای قانون حاکم و عدم ارائه مفاد قانون خارجی صلاحیت‌دار توسط طرفین دعوی است. نظم عمومی به‌عنوان یکی دیگر از موانع اجرای قانون خارجی، عامل بازدارنده‌ای است که مانع اجرای قانون خارجی در کشور می‌شود. لیکن علی‌رغم آنکه نظم عمومی در حقوق داخلی، اصل تقلی می‌شود. ولی در حقوق بین‌الملل خصوصی، استثناً به‌حساب می‌آید. به سخن دیگر، نظم عمومی در مورد حقوق کسب شده که بر اساس قانون صلاحیت‌دار به وجود آمده، اثری محدود و خفیف دارد. تقلب نسبت به قانون یکی دیگر از موانع اجرای قانون صلاحیت‌دار خارجی است. در اینجا، شخص با تغییر عامل ارتباط، باعث می‌شود که صلاحیت قانون دیگری مطرح شود. در زمینه آثار استناد به‌قاعده جلوگیری از تقلب نسبت به قانون، علی‌رغم وجود مخالفت نگارنده با اعمال قاعده، این اعتقاد وجود دارد که گرچه در حقوق داخلی، تقلب نسبت به قانون، غالباً رابطه ایجاد شده را باطل می‌کند. اما در حقوق بین‌الملل خصوصی، حداکثر کاری که قاضی داخلی می‌تواند انجام دهد. (طباطبایی و قاسمی، ۱۳۹۰: ۱۶)

عدم استناد به آن است. موانع اجرای احکام خارجی، موضوع دیگری بود که به آن پرداخته شده است. احکام خارجی شامل، احکام صادره از دادگاه‌های خارجی و احکام داوری‌های خارجی است. هر دودسته احکام، قبل از اجرا باید شناسایی شوند و شیوه‌های شناسایی هر دودسته احکام نیز، متفاوت است و از نظام‌های خاصی تشکیل شده است. شناسایی حکم خارجی، به معنای قابل‌اجرا بودن آن نیست. بلکه باید واجد شرایط مقرر در قوانین داخلی ایران باشند و هر آینه، فقدان شرایط مقرر قانونی، مانعی برای اجرای احکام خارجی بشمار می‌رود. در مواردی که یک قانون خارجی به‌موجب قواعد ایرانی حل تعارض صلاحیت‌دار بوده و اجرای آن به‌طور کلی تجویز شده، و اصحاب دعوی نیز به آن استناد می‌کنند، قاضی ایران باید آن را ملاک قضاوت خود قرار دهد، لیکن پیش از آن باید معلوم شود آیا مقررات آن قانون در ایران

تشریفات مقرر در قانون است که البته در پرونده‌های بین‌المللی که لاقلاً یک طرف آن از اتباع خارجی باشد. پس هر دو قانون (کنوانسیون نیویورک و قانون داوری تجاری ایران) تکیه بر رعایت آیین شکلی مقرر در قانون دارند که در جهت رسیدگی منصفانه و تشکیل جلسه دادرسی که طرفین مهلت و فرصت کافی برای ارائه ادله و مدارک برخوردار باشند و دفاع مناسب بین طرفین صورت بگیرد. در رسیدگی‌ها به اعتراض نسبت به رأی داوری رعایت انتصاب داورها و رعایت تشریفات مقرر از اولویت و شهرت خاص برخوردار است. هر چند معمولاً در رویه دادگاه‌ها محل صدور اعتراض به این موارد با رد مواجه می‌شود. دادگاه‌ها غالباً در مواجهه با ماده‌ی ۳۳ یا به طور کل در برخورد با مواد مربوط به ابطال رأی از روش تفسیر مضیق استفاده می‌نمایند. به‌کارگیری روش تفسیر مضیق به این نتیجه ختم می‌شود که معمولاً نقض تشریفات مقرر در قوانین ملی لزوماً در همه موارد به نقض تشریفات مقرر در پرونده‌های بین‌المللی نمی‌انجامد؛ بنابراین محاکم ملی ایران بایستی در مواجهه با آرای داوری خارجی یا آرای داوری بین‌المللی از این سیاست کلی تبعیت نمایند.

### نتیجه‌گیری

دعوی حقوق بین‌الملل خصوصی، به‌دعوی اطلاق می‌شود که حداقل یکی از عناصر دعوی به‌نظام حقوقی کشور دیگری مربوط شود. در یک دعوی حقوق بین‌الملل خصوصی این قاعده پذیرفته شده است که وقتی قاضی رسیدگی‌کننده به پرونده به قانون حاکم بر دعوی رسید، آن را اعمال نموده و بر اساس آن، حکم صادر کند. علی‌رغم قاعده مذکور، در اکثر نظام‌های حقوقی، از جمله نظام حقوق ایران، مواردی وجود دارد که قاضی نمی‌تواند قانون حاکم بر دعوی را اعمال کند. این موارد که در نظام حقوقی ایران، تحت عنوان موانع اجرای قانون صلاحیت‌دار خارجی مطرح است، شامل:

جانشینی خودبه‌خودی قانون مقرر، نظم عمومی، تقلب نسبت به قانون است. موارد جانشینی قانون مقرر، شامل



۶. سلجوقی، محمود. (۱۳۸۶). *حقوق بین الملل خصوصی، تعارض قوانین و تعارض صلاحیت دادگاه ها*، چاپ چهارم، میزان، ج ۲، چ ۱، تهران، نشر دفتر خدمات حقوق بین الملل جمهوری اسلامی ایران.
۷. شکری، فریده. (۱۳۹۲). «شناسایی و اجرای احکام خارجی در دعاوی خانوادگی»، فصل نامه تعالی حقوق، دوره جدید، شماره ۲.
۸. صفایی سیدحسین. (۱۳۸۸). *مباحثی از حقوق بین الملل خصوصی*، چ ۲، تهران، انتشارات بنیاد حقوقی میزان.
۹. طباطبایی، محمدصادق، قاسمی، رسول. (۱۳۹۰). «قاعده جلوگیری تقلب نسبت به قانون در حقوق داخلی»، فصلنامه حقوق اسلامی دوره ۸، شماره ۳۱.
۱۰. قدیر، محسن؛ مصطفی دانش پژوه. (۱۳۹۲). *اسلام و حقوق بین الملل خصوصی*، چ ۴، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، اداره نشر وزارت امور خارجه.
۱۱. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۵). «سوء استفاده از حق یا تقصیر در اجرای حق»، مجله حقوقی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۲۱، ش ۲۱.
۱۲. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۵)، «سوء استفاده از حق یا تقصیر در اجرای حق»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۲۱، شماره ۲۱.
۱۳. الماسی، نجاد علی. (۱۳۹۲). *تعارض قوانین*، چ ۹، تهران، مرکز انتشار نشر دانشگاهی.
۱۴. متین دفتری احمد. (۱۳۹۱). *آیین دادرسی مدنی و بازرگانی*، ج ۱، چ ۴، تهران، انتشارات مجد.
۱۵. مدنی، جلال الدین. (۱۳۷۸). *حقوق بین الملل خصوصی* ۱ و ۲، چ ۴، تهران، انتشارات پایدار..
۱۶. مردانی، محمد حسن. (۱۳۹۰). «شناسایی و اجرای احکام دادگاه های خارجی در ایران»، ماهنامه کانون وکلای دادگستری، شماره ۲۳.
- قابل اجراست یا نه. قانون خارجی در صورتی قابل اجراست که بر خلاف نظم عمومی نباشد و چنانچه مخالف نظم عمومی باشد به میزانی که مخالفت دارد به اجرا در نخواهد آمد. برای مثال اگر قانون کشور خارجی نکاح بین محارم را مجاز بداند، چنین نکاحی بین اتباع آن کشور در ایران مجاز نخواهد بود. اگرچه اصولاً قانون کشور متبوعشان صلاحیت دار است، همان گونه که مثلاً انجام تعدد زوجات برای ایرانیان در کشور فرانسه به واسطه مغایرت با نظم عمومی آن کشور ممنوع شناخته می شود، هر چند طبق قواعد حل تعارض فرانسه احوال شخصیه بیگانگان تابع قانون ملی آنها است. پس نظم عمومی از اجرای قانون خارجی جلوگیری می کند اگرچه مطابق قانون دولت متبوع دادگاه و یا به موجب قراردادهای بین المللی قانون مزبور صلاحیت دار باشد. مسئله نظم عمومی در ماده ۹۷۵ قانون مدنی ایران به صراحت بیان شده است.
- ### منابع و مأخذ
۱. اخوان فرد، مسعود، کیخافرزانه، محمدامین. (۱۳۹۲). «مقایسه تقلب نسبت به قانون و حیل شرعیه در حقوق خصوصی»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال ۱۴، ش ۲.
  ۲. بهرامی احمدی، حمید. (۱۳۹۴). *سوء استفاده از حق*، چ ۶، تهران، انتشارات اطلاعات.
  ۳. بهمنی، محمدعلی. (۱۳۸۵). *درس داوری های تجاری بین المللی*، مقطع دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
  ۴. جعفری تبریزی، محمدتقی. (۱۳۸۵). *تحقیق در دو نظام حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب و تطبیق آن دو بر یکدیگر*، چ ۱، تهران، نشر موسسه تدوین و نشر آثار استاد علامه.
  ۵. خماسی زاده، فرهاد. (۱۳۹۱). «شرایط، آثار و جایگاه قاعده تقلب نسبت به قانون در حقوق بین الملل خصوصی»، مجله حقوق خصوصی، دوره ۹، ش ۲.

۱۷. مقصودی، رضا. (۱۳۹۴). «سوء استفاده از حق در حقوق بین الملل خصوصی»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال ۴، ش ۱۲.
۱۸. مقصودی، رضا. (۱۳۹۵). «صلاحیت افراطی در تعارض دادگاه ها»، نشریه مطالعات حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، دوره ۴۶، شماره ۲.
۱۹. نصیری، مرتضی، (۱۳۸۳)، حقوق تجارت بین الملل در نظام حقوقی ایران، انتشارات امیر کبیر، چاپ اول.
۲۰. نیکبخت، حمیدرضا. (۱۳۸۵). «استقلال شرط داوری»، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۰-۱۹.
۲۱. نیکبخت، حمیدرضا. (۱۳۸۵). «محدودیت های اعمال قانون خارجی در تعارض قوانین»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۴۴.